

جهانی شدن، زمینه جهانی سازی

یا در انتظار «یوم موعود»

۳۷

پی

آیت الله محمد هادی معرفت*

چکیده

جهانی شدن که زمینه جهانی سازی است، از جهان بینی اندیشه‌وران بزرگ جهان سرچشمه گرفته که در رأس همه، انبیا و حکیمان قرار دارند که امروزه بر اثر کم‌رنگ شدن مرزها و برداشته شدن محدودیت‌های جغرافیایی و ایجاد تسهیلات در رفت و آمدها، و نیز آسان شدن تبادل اطلاعات و فزونی انواع رسانه‌های اطلاع رسانی، روند جهانی شدن هر چه بیش‌تر سرعت می‌گیرد؛ بنابراین، مسأله تقارب ملل و تعارف و شناخت متقابل، امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر است و پیامدهای آن چه زشت و زیبا، دامنگیر همگان خواهد بود منتها در راه گزینش اصلح، و به عبارتی، تأثیرگذاری فرهنگ برتر که پیش‌تاز جهانی سازی است، چه اقدامی باید کرد؟ آیا باید حالت انفعالی به خود بگیریم تا دیگران سرنوشت ما را رقم زنند یا خود به پا خیزیم و طبق مسؤولیت انسانی - اسلامی، خویش زمام رهبری جهانی سازی را به دست گیریم، و طبق آیه شریفه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» متعهد بسط عدل در گستره جهان شویم؟!*

فرایند جهانی شدن که فرایندی ناگزیر برای انسان امروز است، می‌تواند هم تهدید باشد و هم فرصت تلقی شود؛ از این‌رو، رویارویی با پدیده جهانی شدن، باید مقابله با جنبه‌های منفی آن باشد؛ زیرا این رویداد همچون سیلی خروشان، بی‌خواست و اراده ما در جریان است. عمده، کنترل این جریان است که از روز نخست، اسلام بر عهده امت اسلامی گذاشته، و عمده اهرم فعال این رهبری، همان فرهنگ غنی و سرشار از عناصر سازنده جوامع انسانی

* استاد برجسته حوزه علمیه قم.

تأیید: ۸/۴/۸۳

تاریخ دریافت: ۱۳/۳/۸۳

است. این اهرم در دست مسلمانان قرار دارد و هیچ فرهنگی نمی‌تواند با آن مقابله کند و اساسی‌ترین وسیله ممکن برای رهبری جامعه جهانی، فرهنگ پویا و سازنده است که در اختیار این ملت قرار دارد؛ پس این که جهانی شدن را فرصت بدانیم یا تهدید، به تفسیر ما از جهانی شدن بستگی دارد، و این که چگونه با آن برخورد کنیم. چنانچه موضع انفعالی به خود گرفتیم، به طور قطع تهدیدی است که مقادسات ملی و مذهبی در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت؛ ولی اگر با در نظر گرفتن سابقه درخشان و اصالت فرهنگ غنی که در اختیار داریم، در صدد به دست گرفتن زمام روند جهانی شدن و جهانی سازی باشیم، به یقین پیروز و موفق خواهیم بود.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، تقارب ملل، انتظار، یوم موعود، جهانی سازی، حکومت مهدی، جهان شمولی اسلام.

مسأله جهانی شدن یا جهانی سازی از دیر باز در فرهنگ‌ها و ادیان بزرگ جهانی آرمان بوده، و از تحقق جامعه واحد جهانی و فراگیر سخن به میان آمده است. با مختصر مراجعه به قوانین مدون تاریخ قدیم، از جمله قوانین حمورابی* و اعلامیه حقوق بشر به دست کوروش (ابوالکلام آزاد: ص ۵۴) و دیگر سنگ نبشته‌های به جای مانده از دوران قدیم، افزون بر آموزه‌های عالی باز مانده از انبیای بزرگ و حکیمان فرزانه دوران‌های دور و نزدیک،** همه و همگی بر این امر تاکید دارند که جهان و جهانیان، واحد به هم پیوسته است، و همه امت‌ها زیر پرچم انسانیت متعالی باید با شناخت یکدیگر، برادرگونه زیست مسالمت آمیزی داشته باشند.

جای جای قرآن به این حقیقت مسلم اشاره و احياناً تصریح دارد و در کتاب‌های پیشینیان نیز به آن اشاره شده است و قرآن آن را یادآوری می‌کند.

از این رو باید توجه داشت که جهانی شدن به صورت اندیشه و فلسفه دینی و اخلاقی و همچنان به صورت یک آرمان دینی - سیاسی تاریخچه‌ای طولانی دارد و پیدایی آن به ظهور ادیان بزرگ، امپراتوری‌های جهان‌گستر و اندیشه‌وران فلسفه آرمان‌گرا باز می‌گردد؛

* ششمین پادشاه سلسله نخست بابل (۱۹۵۵ - ۱۹۱۳ ق م) ستونی از وی در شوش به دست آمده که اکنون در موزه لوور پاریس قرار دارد و آن قدیم‌ترین قانون مدون جهان است.
** ایده آرمانشهری یا دولت آرمانی که در اندیشه‌های اندیشه‌ورانی چون افلاطون و توماس مور، و میان فیلسوفان مسلمان، فارابی در نوشتن کتاب مدینه فاضله همواره وجود داشته است (جهانی شدن و دین، ص ۱۷۶).

ولی جهانی شدن به صورت روند واقعی که منشأ متراکم شدن جهان و همزمان شدن ارتباطات اجتماعی شده، بدیهی است که سابقه آن به ظهور صنعت جهانی ارتباطات باز می‌گردد که هر چه بیش‌تر بر سرعت این روند افزوده می‌شود.

جهانی شدن و جبر زمان

جهانی شدن به معنای هم‌پیوستگی ملت‌ها چیزی است که جامعه بشر (به مقتضای طبع اجتماعی بودن) آن را خواهان است، و انسان‌ها همواره، از همان دوران که احساس کردند هر فرد به دستاوردهای دیگران نیازمند است، این حرکت به سوی «گردهمایی همگانی» را آغاز کرده، و در بستر زمان و در فرصت‌های پیش آمده، برای رسیدن به این آرمان بیش‌تر همت گماشته‌اند متتها موانع جغرافیایی و بیش‌تر سیاسی جلوگیری این روند بوده، و هر گاه فرصتی پیش آمده، از آن استفاده شده است که برخی جنگ‌های بزرگ از قبیل حمله مغول به شرق و آتیلا به غرب و نیز جنگ‌های صلیبی، و حتی جنگ جهانی اول و دوم با این‌که خانمانسوز بوده، تعارف و تآلف ملت‌ها را نیز در پی داشته است.

خلاصه با باز شدن مرزها و از هم گسستن حصارهای جغرافیایی، رفت و آمدها و آشنا شدن با عادات و رسوم ملت‌ها، در کنار فتح باب تجارت برون مرزی، همه و همه این‌ها باعث شد تا ملت‌ها از یک‌دیگر باخبر شوند و از دستاوردهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و ضمن اطلاع از کم و کیف آن، بهترین و برترین آن‌ها را برگزینند. گاه علوم و معارف از غرب به شرق، و گاه از شرق به غرب نقل مکان کند، و این به بیداری ملت‌های انتقال دهنده بستگی داشته است، و امروزه، مسأله فرار مغزها از همین باب است. کشورهای علمی - صنعتی، جاذبه خود را بر دیگر کشورها روشن ساخته، بهترین‌ها را به خود جذب می‌کنند، و هرگز نمی‌توان جلو این جذب و انجذاب را گرفت. باید زمینه جذب را فراهم آورد و با زور یا تبلیغات کاذب کاری از پیش نمی‌رود.

جهانی شدن یا توسعه جهانی به این معنا که مرزها عملاً برداشته شود و برای رفت و آمدها مانع نباشد و هر روز و هر آن بر این رفت و آمدها و آشنایی با دستاوردها و گزینش بهترین‌ها افزوده شود، گر چه از دیر باز وجود داشته، و به جهت مشکلات سفر و رفت و

تیس

انسان کامل در اندیشه مطهر جهانی شدن، زمینه جهانی سازی یا در انتظار «یوم موعود» انسان کامل در اندیشه مطهر

آمدها حرکتی کند داشته، امروزه به سبب تسهیلات فراوان و روز افزون، این حرکت سرعت گرفته، هر آن بر سرعت و پیشرفت و توسعه آن افزوده می‌شود و مسأله جبر تاریخ که در این جا مطرح می‌شود به همین حقیقت ناظر است که خود این رفت و آمدها و تعارف و تآلف بین ملت‌ها امر ضرور حیاتی است که لازمه جدایی‌ناپذیر طبع اجتماعی زیستن انسان‌ها است؛ به ویژه در عصر تسهیلات مسافرتی و انواع اطلاع رسانی به وسیله رسانه‌های جهانی که قابل کنترل نیست و با هیچ قدرتی نمی‌توان جلو آن را گرفت، و اساساً این‌گونه معارفه‌ها در اصل آفرینش انسان ریشه دارد، و هرگز نشاید که ذاتیات آدمی را از وی جدا ساخت. انسان تا انسان است، این گونه معارفه‌ها لازمه ذات او است، و شاید نام انسان نیز بدین سبب باشد که از ریشه «انس» گرفته شده تا عنوان، حاکی مَعْنُون باشد. در آیه ۱۳ سوره حجرات که مدنی است و در دورانی که جامعه اسلامی در حال شکل گرفتن بوده نازل شده، چنین آمده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ.

خطاب به تمام مردم جهان است که همگی از یک پدر و مادر آفریده شده و همگی برادر و برابرید؛ یعنی هیچ‌گونه برتری نژادی برای هیچ‌کس و هیچ گروهی وجود ندارد؛ آن‌گاه به دو اصل طبیعی حیات اشاره می‌کند.

نخست آن‌که لازمه انتشار و کثرت نسل، جدا شدن و تفرقه میان گروه‌های پدید آمده بر اثر ازدیاد نسل انسانی است؛ پس رشته‌های متعدد (شُعُوب) نسل انسانی در پهنای گیتی پراکنده شدند تا هر گروه بدون مزاحمت به زندگی خود سر و سامانی دهند.

اصل دوم این‌که این تعدد و تفرقه بدین معنا نیست که از هم بریده باشید؛ زیرا بریدگی بر خلاف طبع ذاتی انسان است، انسان از انس است که وصل را می‌رساند نه فصل و از هم گسستگی؛ پس این اصل اقتضا دارد تا انسان‌ها - گرچه به صورت گروه‌ها درآمده‌اند - با یک‌دیگر معارفه داشته، و از حال و اوضاع هم‌نوعان خود با خبر باشند، و همین شناخت و معارفه سبب می‌شود تا از فرهنگ‌های مختلف و متنوع و جریان‌های علمی و صنعتی و دیگر دستاوردهای یک‌دیگر باخبر باشند و بهترین را برگزینند، که این گزینش بهتر، لازمه معارفه و مفاهمه میان ملت‌ها است؛ بلکه لازمه طبع «میل به کمال» انسان‌ها است که از طریق «حسن رقابت» رشد یافته، هر چه بیش‌تر شکوفا می‌شود.

خداوند در این زمینه می‌فرماید:

فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (زمر: ۳۹): ۱۷.

انتخاب احسن، شیوه‌بندگان شایسته خدا است که با شیوه عقلایی هماهنگی دارد.

فرهیختگان که بندگان شایسته خدایند، و زمره عاقلان را همانان تشکیل می‌دهند بر این شیوه‌اند تا آنچه پیرامون آنان می‌گذرد، از اندیشه‌ها و تجربه‌ها (در طول مسیر حیات) در آنها بیندیشند و بهترین و شایسته‌ترین آنها را برگزینند و این‌گزینه‌ها برتر که نتیجه اندیشیدن و حسن انتخاب است، بهترین نوع تحقیق و دقت نظر را می‌رساند، و از هرگونه تقلید و پیروی بی‌رویه دور است؛ پس مسأله «تعارف» و تفاهم بین‌المللی که بر پایه شناخت متقابل استوار باشد، اساس پیشرفت و تعالی تمدن‌ها است و قرآن کریم بر آن تأکید دارد. تا این‌جا به این نتیجه رسیدیم که اصل معارفه و مفاهمه میان ملت‌ها، شکستن مرزها، برداشتن حصارها، تسهیل در امر رفت و آمد، شناخت فرهنگ‌ها و آشنایی با دستاوردهای فکری و علمی و صنعتی و... از ضرورترین مایه‌های حیات اجتماعی انسان‌ها است که در جهت رشد تمدن‌ها و ترقی و تعالی فرهنگ‌ها، نقش زیربنایی را ایفا می‌کند؛ البته نباید نادیده گرفت که احیاناً پیامدهای ناگواری نیز همراه دارد که این پیامدهای ناگوار نتیجه خودباختگی ملت‌های ضعیف در مقابل ملت‌های نیرومند است که به جهت این خودباختگی نتوانسته‌اند در گزینش، برترین‌های مؤثر را برگزینند، و همان فرهنگ همسایه قوی را شتابزده و بدون ارزیابی پذیرفته‌اند.

ابن خلدون در این زمینه می‌گوید:

ملت‌های ناتوان همواره می‌کوشند تا خود را به فرهنگ ملت‌های نیرومند بیاریند و در رفتار و کردار و حتی در شعار و مذهب و آیین از آنان پیروی کنند، و این بدین سبب است که به جهت خودباختگی چنین می‌اندیشند که راز کمال و برومندی ملت همسایه در همین مظاهر زندگی آنان نهفته است! پس اگر خود را به همین مظاهر بیارایید، به همان درجه برومندی نائل خواهید آمد؛ بنابراین ملت‌های عقب مانده، از فرط خودباختگی، می‌کوشند تا خویش را به همان شکل ملت‌های پیشرفته بیاریند غافل از آن‌که این‌گونه تقلید بی‌اندازه، هر آن، بر عقب ماندگی آنان می‌افزاید و رفته رفته زمینه را برای سلطه اجنبی فراهم می‌سازد؛ زیرا سلطه فرهنگی، پیش‌تاز سلطه نظامی است و سبب اصلی در آن است که در علل و موجبات پیشرفت‌ها نیندیشیده‌اند؛ بلکه فقط به ظواهر و مظاهر پرداخته‌اند. (ابن خلدون، ۱۳۶۲: فصل ۲۳، ص ۱۴۷).

عجیب آن‌که در آن دوران، کشور اندلس (اسپانیا) هنوز در دست مسلمانان بود؛ ولی خودباختگی غریبی آنان را فرا گرفته بود و از کشورهای همسایه در رفتار و کردار و در تمام شؤون زندگی از آنان الگو می‌گرفتند و بی اندازه از آنان پیروی می‌کردند. ابن خلدون (متوفای ۸۰۸ ق) در این باره می‌گوید:

پناه می‌بریم به خدا از عاقبت سوء این تقلید همه جانبه که ملت اندلس را فرا گرفته. زود است که همسایگان بر آنان چیره شوند؛ زیرا مقدمه استیلائی نظامی اجنبی فراهم شده است «حَتَّى لَقَدْ يَسْتَشْعِرُ مِنْ ذَلِكَ النَّاطِرُ بَعِينَ الْحِكْمَةِ أَنَّهُ مِنْ عِلَامَاتِ الْاِسْتِيلاءِ، وَالْأَمْرُ لِلَّهِ» (همان).

سقوط کامل اسپانیا به دست فرنگیان به سال ۸۹۷ قمری واپسین سلسله ملوک غرناطه محمد یازدهم که حکومت وی از سال ۸۹۲ تا سال ۸۹۷ ادامه داشت، اتفاق افتاد! (استانلی لین پل، ۱۳۸۰: ص ۳۶).

ملاحظه می‌شود: گزینش شتابزده، به ویژه اگر با خودباختگی همراه باشد، چه عواقب وخیمی دارد که متأسفانه این‌گونه داورهای سطحی و بدون دقت کافی، هنوز هم دامنگیر بیش‌تر ملت‌های ضعیف و عقب افتاده است و هرچه بیش‌تر آنان را خوار و زبون می‌سازد. به جای آن‌که به علل پیشرفت‌های جهانی بپردازند، به مظاهر و جلوه‌های برون‌ی پرداخته‌اند؛ پس ملت‌هایی صرفاً مقلد و پیرو، نه محقق و پیشرو هستند.

عوامل مؤثر در جهانی شدن*

عوامل مؤثر در پدیده جهانی شدن که عبارت است از کمرنگ شدن مرزها و سهولت انتقال پدیده‌ها از نقاط گوناگون جهان به یک‌دیگر، در دو عامل ذیل خلاصه می‌شود:

۱. توسعه و تنوع رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی؛

۲. گسترش و تکامل وسایل حمل و نقل.

یعنی از یک طرف اطلاعات با سرعت، تنوع، کیفیت، گستردگی و عمقی بیش‌تر از گذشته، از یک نقطه جهان به طرف دیگر می‌رود، و از سوی دیگر، انسان‌ها از نقاط گوناگون با سرعت بیش‌تر سفر می‌کنند و این سرعت انتقال چه در دستاوردها و چه در

* در این قسمت از بحث به مقاله استاد دکتر علی اکبر ولایتی رجوع شود (اندیشه حوزه، ش ۴۰).

جابه‌جا شدن انسان‌ها، بزرگ‌ترین عامل مؤثر در معارفه و شناخت فرهنگ‌ها و پذیرا شدن برترین‌ها است که ناگزیر انجام می‌گیرد، و وضعیت به گونه‌ای است که هیچ عامل دیگری نمی‌تواند مانع این ترابط و تفاهم جمع‌الجمعی جهانی شود.

فواید و پیامدهای جهانی شدن

۴۳

قیس

انسان کامل در اندیشه مطهر جهانی شدن، زمینه جهانی سازی یا در انتظار «یوم موعود» انسان کامل در اندیشه مطهر

حال باید گفت: عمده بحث مهم در این باره آن است که آیا جهانی شدن اولاً اجتناب پذیر است یا نه و ثانیاً آیا در مجموع مفید است یا مضر و ابعاد آن کدام است؟ در پاسخ سؤال اول روشن شد که جهانی شدن با هرچه نزدیک‌تر شدن نقاط گوناگون جهان، امری اجتناب ناپذیر است؛ وسایل ارتباط جمعی، انسان‌ها را به هم مرتبط می‌کند و رفت و آمدها به سرزمین‌های جهان آسان شده است. اصلاً چرا این امر متوقف شود؟ اصولاً باید بدانیم که سیر زمان و تحولات زمانه هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود. آری، آنچه اجتناب‌پذیر است، تسلیم شدن در برابر موج جهانی است که بالکُل و یکپارچه خود را تسلیم امواج خروشان تبلیغات و شعارها کنیم. جهانی سازی حتماً نباید یک طرفه، آن هم به دست مستکبران و استعمارگران جهان انجام گیرد. ما نباید تسلیم محض موج جهانی شویم؛ سپس به صورت عنصری منفعل و امانده بمانیم تا همه آثار و عوارض آن بر ما بار شود. همان‌گونه که اشاره شد، قلمرو ما در جایگاه جامعه اسلامی، قلمرو جهانی بوده، نه محدود، و قرآن کریم تفاوت‌های نژادی و اقلیمی را تفاوت نمی‌داند تا مانع آن شود که همگی (برادر گونه و به گونه برابر) زیر چتر اسلام گرد هم آییم، و اساساً اسلام، پرچم وحدت جهانی را به دست مسلمانان داده تا آنان رهبر جهانی سازی بر مبنای فرهنگی اصیل و استوار باشند. درباره سؤال دوم در رابطه با فواید جهانی شدن، دست‌کم چهار فایده را می‌توان برای آن ذکر کرد:

نخستین فائده آن، ارزان شدن و به روز شدن آموزش فراگیر علمی است. دومین فایده آن، کوتاه‌تر شدن مسیر و کم شدن هزینه تولید است. امروزه اختراعات و

تولیدات از طریق سایت‌های اینترنتی معرفی می‌شوند و عملاً راه‌های موازی حذف شده و افراد در اختراعات و اطلاعاتشان، وقت تلف نمی‌کنند، و راه‌هایی را که دیگران رفته و به نتیجه رسیده‌اند، دوباره نمی‌روند.

فایده سوم که می‌توان آن را مهم‌ترین فایده دانست، این است که از اوایل دهه نود پیدایی روند معکوس جهانی شدن آغاز می‌شود به این معنا که در گذشته، جهت جهانی شدن حالت یک طرفه داشت؛ ولی حالا این اتصال طرفینی است. آن وقت جریانی از طرف غرب به سوی شرق وجود داشت و امکانات ارتباطاتی برای آن‌ها بسیار میسرتر از دیگران بود، و رسانه‌های جمعی در کشورهای غیر صنعتی فقط مصرف کننده بودند؛ در حالی که اکنون این‌گونه نیست؛ به طور مثال، امروزه ده‌ها هزار سایت مربوط به جهان اسلام است و مسلمانان به راحتی می‌توانند فکر و اندیشه‌شان را منتقل کنند و هر کس هر سخنی برای گفتن دارد، چه در عرصه فرهنگ و چه غیره می‌تواند برای جهانیان شرح و بسط دهد.

فایده چهارم این که افراد خارج از کشور را به جامعه خود وصل می‌کند؛ چنان‌که اگر پیش‌تر کسی برای تحصیل یا کسب و کار به غرب سفر می‌کرد و آن‌جا می‌ماند، عملاً از جامعه خودش جدا می‌شد، و امکان از دست رفتن هویتش زیاد بود؛ اما امروز نگرانی از دست دادن هویت ملی اشخاص در خارج از کشور با توجه به توسعه ارتباطی که وجود دارد، کم‌تر است؛ بدین لحاظ مفهوم زمان و مکان به این ترتیب تغییر کرده است و لازم نیست همه افراد کنار هم باشند تا هویت ملی خود را حفظ کنند.

پیامدهای جهانی شدن

از آن‌جا که داعیان جهانی شدن (امروزه) ملت‌های پیشرفته صنعتی هستند و سابقه استعماری ۴۰۰ ساله دارند، جهانی شدن به وسیله چنین داعیانی، عوارض ناگوار و پیامدهایی را به دنبال دارد که عبارتند از:

۱. نخستین مشکل در این باره آن است که آنان با جلوه دادن فرهنگ خود به صورت فرهنگ برتر، آن را به شکل گسترده‌تری به جهان صادر می‌کنند، و از این راه، سلطه فرهنگی خویش را بر جهانیان تحمیل کرده، در زمینه‌های اقتصادی، افزون بر عرضه

محصولات غربی، فرهنگ محصولات خویشتن را منتشر می‌کنند، و به گفته دکتر ولایتی، «شرکت «مک دونالد» در سراسر جهان تنها همبرگر نمی‌فروشد؛ بلکه فرهنگ «مک دونالدیسم» را نیز رواج می‌دهد».

۲. دیگر آن‌که اقتصاد جهانی را در اختیار می‌گیرند و بدین وسیله به خوبی می‌توانند با در دست داشتن رگ حیاتی کشورها، آنان را فلج کرده یا سقوط دهند یا طبق خواسته‌های خود آنان را به این سو یا آن سو ببرند.

به گفته برخی از صاحب‌نظران، خطر و عوارض جهانی شدن اقتصاد، خیلی زود چهره خود را نشان داد. عوارض جهانی شدن در زمینه اقتصاد را می‌توان در کشورهایی مثل «برزیل» دید که به سرعت سقوط کردند.

در جهانی شدن اقتصادی غرب، گاه با یک نظام فلج‌کننده، جهان سوم را حتی به نان شب خود نیازمند می‌کنند. در پرتو چنین تفکری، در یکی دو دهه گذشته فاصله بین فقیر و غنی در جهان به صورت وحشتناکی افزایش یافته و کاملاً بی‌سابقه بوده است (اندیشه حوزه، ش ۴۰، ص ۱۷۶).

۳. افزون بر این، جهانی شدن در زمینه سیاست نیز با توجه به آنچه گفته شد می‌تواند پیامدهای منفی داشته باشد، و آن، تقویت سلطه غربی‌ها بر تمام نقاط جهان است؛ چنان‌که امروزه شاهد آن هستیم، و بر همین اساس است که امریکا پس از فروپاشی شوروی می‌کوشد تا جهان تک قطبی بسازد، و در صدد تجزیه یا تلفیق برخی کشورهای نفت خیز است تا به نفع غرب از آن بهتر بهره برده شود.

۴. و نیز از عوارض جهانی شدن بحران هویت است چنان‌که اشاره شد؛ پس همان‌گونه که از آثار مثبت جهانی شدن، وصل ملت‌ها و ایجاد تقارب و تفاهم میان آن‌ها است، از سوی دیگر با ذوب در مظاهر فریبنده کشورهای پیشرفته، هویت‌ها نیز از بین می‌رود. حتی زبان و دیگر مقومات ملیت‌ها رفته رفته به دست فراموشی سپرده می‌شود؛ چنان‌که در بسیاری از کشورهای خود باخته چنین اتفاقی افتاده است و اتفاق خواهد افتاد.

۵. عمده خطر جهانی شدن، تحت فشار قرار گرفتن دین و معتقدات بومی کشورها است. در جهانی شدن و جهانی سازی مدرنیته امروز، دین و معنویات تحت فشار «سکولاریزم» و «نسبیت گرایی» واقع می‌شود؛ زیرا «سکولاریزم» می‌گوید: دین نباید در

مسائل اجتماعی اثر گذار باشد، و امر و نهی دینی نباید در جامعه دارای اثر باشد. اصولاً «سکولاریزم» با آرمان‌گرایی و آرمان‌خواهی هیچ رابطه‌ای ندارد. حال این آرمان‌گرایی می‌تواند اسلام یا هر دین دیگری باشد. حتی مثل آرمان مارکسیستی نباید توجیه‌گر خط مشی سیاسی شود. بر اساس این نظریه، اصلاً حکومت از آرمان جدا است. به ویژه دین که آن را اعتباری محض و برخاسته از رسوم و عرف محلی می‌دانند، و هرگونه وحیانی بودن آن را انکار می‌کنند؛ پس نباید در مسائلی که واقعیت حیاتی دارند، دارای اثر باشد.

راه مقابله با آفات

اکنون باید دید (با توجه به اجتناب ناپذیری جهانی شدن) چگونه با آفات آن مقابله شود و از پیامدها و عواقب سوء آن اجتناب ورزید؟
در مثل گفته‌اند: علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. آنچه در حفظ سلامت مؤثر است، پیشگیری از خطر بیماری است؛ و گرنه درمان بیماری پس از ریشه‌دار شدن، چندان مؤثر نیست، و از قبیل «نوشدارو پس از مرگ سهراب» است.
در صنعت کشت و کشاورزی، برای مبارزه با آفات، باید پیش از حمله آفات دست به کار شد، نه بعد از آن که آفات رخنه کرد.

جامعه اسلامی از همان هنگام که مشعل‌دار هدایت بشر بود، همچنان بر موضع رسالت جهانی خود استوار بماند، و امروزه که موضع خود را از دست داده و به دیگران سپرده، هنوز هم دیر نشده است. جلوی ضرر از هر کجا گرفته شود، نفع است. امروزه می‌توان با پشتوانه غنی و قوی اسلامی، اعاده حیثیت کرد، و دست به کار شد، و پیش از هر کار در راه خودکفایی گام برداشت. آنچه شیران را کند روبه مزاج، احتیاج است احتیاج است احتیاج. امروزه اگر جامعه اسلامی بتواند در راه صنعت و کشاورزی گام‌های مؤثر بردارد و خود را به سر حد خودکفایی برساند می‌تواند جلو رخنه اجانب را بگیرد.

مولا امیر مؤمنان علیه السلام از روز نخست هشدار داد:

الله فی القرآن، لا یسبقکم بالعمل به غیرکم (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

حضرت هشدار می‌دهد تا دیگران در عمل به دستورهای قرآن بر شما سبقت نگیرند.

مگر آن نبود که قرآن به جامعه اسلامی دستور رهبری ملت‌ها را داده و جهانی‌سازی را برعهده آنان نهاده بود؛ البته مسلمانان سستی کرده، دیگران این رهبری را به دست گرفتند و در اهداف سلطه‌جویانه خود به کار بردند.

اهداف جهانی شدن از منظر انبیا

۴۷

قیس

هر پدیده‌ای که رخ می‌دهد و در رشد و پیشرفت آن دست بشری در کار باشد، باید هدف یا اهدافی منظور باشد که دست‌اندرکاران، آن را دنبال می‌کنند. و این به قصد و نیت آنان بستگی دارد که از روی حسّ بشر دوستانه و خیرخواهانه برخاسته یا حسّ طمع و سلطه‌جویانه یا هر غرض دیگر.

آنچه گفته شد، از پیامدهای آفت‌گونه صعب‌العلاج، برخاسته از اهداف بشردوستانه و خیرخواهانه نبوده؛ به ویژه آنچه بر دست داعیان جهانی‌سازی امروز جریان داشته است و دارد؛ اما اهداف انبیا و تمام ادیان الهی به ویژه شریعت اسلام، اهدافی صرفاً خیرخواهانه و بشردوستانه بوده که هیچ‌گونه پیامد ناگواری نداشته است.

بنگرید گفت و گویی را که میان رستم فرخزاد (سردار لشکریان ایران) با نماینده مسلمانان، در واقعه قادسیه رخ داد:

رستم، از سرکرده عرب، زُهره خواست تا با او گفت و گو کند و خواست تا از در صلح با او کنار آید.

زهره به او گفت: ما همچون دیگران نیستیم، و در طلب دنیا نیامده‌ایم. ما همان‌گونه که تو یادآور شدی، مردمی جاهل و بی‌فرهنگ بودیم تا آن‌گاه که خداوند پیامبری بر ما فرستاد و او را اجابت کردیم. خداوند به پیامبرش وعده پیروزی مسلمانان را داده تا هر که به دین حق درآید، عزیز باشد و هر که سر بتابد ذلیل و خوار شود.

اسلام می‌کوشد تا مردم از عبادت بندگان به عبادت پروردگار روی آورند. مردم همگی فرزندان آدم و حوا و برادران از یک پدر و مادرند.

رستم گفت: خجسته آیینی است!

آن‌گاه گفت: هر گاه به دین شما درآییم، چه می‌کنید، آیا باز می‌گردید؟

انسان کامل در اندیشه مطهر جهانی شدن، زمینه جهانی‌سازی یا در انتظار «یوم موعود»

زهره گفت: آری، به خدا سوگند! ما بهترین امت و خیرخواه تمام امت‌ها هستیم. در آن هنگام همه برادریم و برابریم.

رستم بازگشت و با سران لشکر به گفت و گو نشست؛ ولی به پیشنهاد وی ارجی ننهاده؛ سپس به سردار لشکریان اسلام سعدوقاص پیام داد تا نماینده‌ای بفرستد و با او به مذاکره بنشیند.

سعد، ربعی بن عامر را فرستاد؛ آن‌گاه رستم از وی پرسید: چه باعث شد که بدین سو آمدید؟ ربعی گفت: انگیزه‌ خدایی ما را بدین جا کشاند. او است که این مسؤلیت را بر عهده ما نهاده تا مردم را از تنگنای زندگی به فراخنای سعادت حیات رهنمون شویم. مردم را از ستم آیین‌ها به عدل اسلام راهنمایی کنیم؛ پس هر که این رهنمود را از ما پذیرفت، ما با او کاری نداریم، و از همین‌جا باز می‌گردیم، و زمین و ملک را به خودشان وا می‌گذاریم؛ (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۴۲۶ - ۴۶۳)؛ از این رو، میان جهان‌بینی انبیا و جهان‌بینی داعیان امروزی فرقی آشکار است.

نظری به مسأله « جهانی سازی » دینی

جهانی‌سازی که از جهان‌بینی اصلاح اندیشان بزرگ جهان سرچشمه گرفته، از اساسی‌ترین آرمان‌های همه انبیاء و همه ادیان بزرگ الهی است که در رسالت جهانشمولی اسلام و قرآن بر آن تأکید شده است:

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (فرقان (۲۵): ۱).

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا (سبأ (۳۴): ۲۸).

اساساً هدف انبیا و اصلاح‌گرایان بزرگ جهان، اصلاح جامعه بزرگ انسانی است، و برای اصلاح هر جامعه‌ای به طور کامل باید به اصلاح بدنه اصلی کل جامعه انسانی پرداخت؛ زیرا اصلاح یک عضو با بیمار بودن اصل بدنه، امکان‌پذیر نیست و زود است که بیماری از اعضای دیگر به این عضو اصلاح شده سرایت کند و حتی در یک جامعه نمی‌توان به اصلاح یک بعد از ابعاد آن پرداخت تا به اصلاح تمام ابعاد آن به طور مساوی و همگام پرداخته نشود؛ برای مثال، برای اصلاح بُعد کشاورزی نمی‌توان از اصلاح دیگر

ابعاد اقتصادی کشور چشم پوشید و حتی ابعاد علمی، فرهنگی و سیاسی را نادیده گرفت و نیز اصلاح یک طبقه از طبقات گوناگون هر جامعه بدون در نظر گرفتن دیگر طبقات امکان‌پذیر نیست، و مسأله سرایت، از بزرگ‌ترین آفات جامعه‌ها است.

مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی در این زمینه می‌گوید:

برای شناخت فرهنگ حاکم بر جامعه، کافی است با یک قشر از آن جامعه تماس حاصل کرد؛ زیرا اعضا (اقتدار و طبقات) یک جامعه سر و ته یک کرباسند.

۴۹

در قرآن کریم می‌خوانیم:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا (بقره (۲): ۱۴۳).

قیاس

امت اسلامی مکلفند تا بر مردم جهان نظارت داشته، در ساخت و ساز ملت‌ها بکوشند، و بدین‌سان مسؤولیت خود را در پیشگاه پیامبر اسلام ایفا کنند.

ملاحظه می‌شود که در این آیه، با صراحت بر مسأله جهان‌سازی تاکید شده و آن را مسؤولیت خطیر و بر عهده جامعه اسلامی می‌داند که باید با تمام توان (و با امکانات و حیانی فراوان) در اصلاح جوامع بشری در سراسر جهان بکوشند؛ البته باید توجه داشت که مسأله جهانی‌سازی، همواره همراه تحمیل فرهنگ‌ها است. هر ملت یا هر گروه که به پا خاسته در صدد جهانی‌سازی باشد، خواه و ناخواه فرهنگ حاکم خود را که فرهنگ برتر می‌داند، تحمیل می‌کند، و از همین راه در صدد اصلاح فرهنگ‌ها بر می‌آید.

پیش‌تر اشاره شد که، اساساً ملتی به جهانی‌سازی روی می‌آورد که فرهنگ خود را غنی‌تر و پربرتر می‌داند و برای ملت‌ها مفیدتر می‌شمارد. و همین برتری فرهنگ سبب شده تا به پاخیزد و به اصلاح دیگران پردازد که این شرایط همگی در شریع اسلام فراهم است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا (فتح (۴۸): ۲۸).

در این آیه به برتری فرهنگ اسلامی اشاره شده تا شایستگی هیمنت بر دیگر فرهنگ‌ها را مبرهن سازد؛ البته این به توانمندی مسلمانان بستگی دارد تا چگونه فرهنگ اسلامی را جلوه‌گر سازند.

انسان کامل در اندیشه مطهر جهانی شدن، زمینه جهانی سازی یا در انتظار «یوم موعود» انسان کامل در اندیشه مطهر

ثانیاً خداوند، آفرینش انسان را به خود نسبت داده و از روح خود در او دمیده است تا انسان‌ها بدانند همگی روح خدایی در کالبد دارند و با همبستگی خداگونه رفتار کنند. در ضمن چون وابسته به او هستند در زندگی و تلاش برای رسیدن به سعادت از هیچ مانع و رادعی هراس نداشته باشند.

ثالثاً همه انسان‌ها با همه اختلافات رنگ و شکل و رفتار به یک پدر و مادر انتساب دارند؛ پس همگی برادر و برابرنند.

۵۱

قیاس

رابعاً اختلاف ظاهری و گوناگون بودن وضع زندگی که انسان‌ها را به صورت قبایل و قومیت‌های مختلف درآورده، نباید سبب دوری و افتراق شود؛ بلکه باید با در نظر گرفتن گوهر واحد و نسب واحد، همه گرد هم آیند و افتراق را به صورت وفاق درآورند، تا از یک‌دیگر بهره‌مند شوند.

انسان کامل در اندیشه مطهر
جهانی شدن، زمینه جهانی سازی یا در انتظار «یوم موعود»

خامساً قرآن اساس و معیار برتری را در فروتنی و تواضع و خدمت‌رسانی و التزام به تعهدات انسانی (تقوا) می‌داند و بس، و در نتیجه، بر همه امتیازهای واهی مادی خطّ بطلان می‌کشد و زمینه را برای برقراری عدالت و توازن اجتماعی در پهنای زمین فراهم می‌سازد؛ از این رو هیچ دلیلی را برای کنار نشستن مسلمانان یا موضع انفعالی گرفتن در برابر پدیده جهانی شدن نمی‌توان یافت؛ زیرا پیشرفت‌های فن‌آوری و اطلاع‌رسانی، هر نوع گریزی را برای مسلمانان غیر ممکن ساخته است، و صرفاً به دلیل این‌که نظام سرمایه‌داری در صدد القای فرهنگ خود و تحمیل آن بر جهانیان است نمی‌توان از تبلیغ و ترویج حقایق و اصول جهانشمول اسلام دست برداشت و انسان‌ها را از این حقایق که در اختیار داریم، محروم ساخت؛ زیرا این خود ظلمی آشکار، و خیانت در امانت الهی است که به دست ما سپرده شده و باید به نیکوترین شکل از عهده انجام آن برآییم؛ پس با صدایی رسا اعلام می‌کنیم: ای مسلمانان! نهراسید و به یاری خدا بشتابید:

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد (۴۷): ۷).

باید توجه داشت که دین، به ویژه دین جامع که ادعای پاسخگویی به همه نیازهای اساسی جامعه انسانی را دارد، مانند اسلام که برای ابعاد گوناگون زندگی انسان، ارائه طریق می‌کند و در جنبه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حتی روابط اجتماعی، روابط بین‌المللی و سیاسی با مسلمانان و غیر مسلمانان ارائه نظر می‌کند، «منع و مرجع قدرت»

شمرده می‌شود؛ پس توجه به پیام‌های دینی و انطباق آن با نیازهای جامعه انسانی و به ویژه مقبولیت عمومی پیام دین، نقش مهمی در فضا سازی مذهبی در جامعه بزرگ را دارد. آری، کسانی از روند همه جانبه جهانی شدن در هراسند که بیم نابودی خود را دارند، و در وضعیتی هستند که امکان مقابله با تهاجم فرهنگی را ندارند؛ چه رسد به چیره شدن بر روند جهانی شدن و جهانی سازی؛ برای مثال فرهنگ مسیحیت امروز مطلب قابل عرضه ندارد، و همواره در مقابل رخدادهای زمانه موضع انفعالی به خود گرفته تا آنجا که می‌توان آن را فاقد فرهنگ منسجمی دانست؛ از این رو پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیک‌های جهان با مسأله جهانی سازی، مخالفت کرده و آن را پدیده وحشی نام برده، می‌گوید:

جهانی سازی، پدیده‌ای وحشی و سرکش و فقط به سود سودجویان است که باید با آن مخالفت کرد (جمهوری اسلامی، ۱۶ تیر، ۱۳۸۰). آری چون توان مقابله با آن را ندارد فقط به زشت خواندن آن قناعت می‌کند.

اصول و پایه‌های جهانشمولی اسلام

دینی را که به صورت دین جهانی در عصر جهانی شدن می‌توان مطرح کرد فقط اسلام است؛ به این دلیل که تمام عناصر لازم برای جهانی سازی را دارد؛ پس می‌توان قاطعانه گفت: دینی که می‌تواند انسان جهانی شده را در عصر جهانی شدن، به سر منزل مقصود برساند و دین جهانی شود، فقط دین آسمانی و تحریف نشده‌ای است که بصیرت می‌بخشد و جهالت‌ها و خرافات و تعصبات را می‌زداید؛ یعنی اسلام که مایه آن در سرشت بشر نهاده شده و پاسخگوی فطرت و طبیعت انسان، اجتماع و جهان است.

یکی از دین پژوهان می‌گوید:

به نظر من، جهانی شدن یعنی در واقع فراگیر شدن اعتقاد به یک اصل، اعتقاد به یک ارزش نهایی، اعتقاد به حقیقه الحقایق، اعتقاد به این که خرد و عقل اگر بخواهد خردورزی کند تکیه‌گاه می‌خواهد. دین در نهایت بار دیگر در جهان فراگیر می‌شود و این جز در پرتو تعالیم انبیا و در پرتو ادیان ابراهیمی خالص، امکان ندارد (عماد افروغ، پرتو سخن، ش ۵/۱۱۳).

شهید مطهری از راز جاودانگی اسلام پرده می‌دارد آن‌جا که گفته:

رسالت پیامبر اسلام با همه رسالت‌های دیگر این تفاوت را دارد که از نوع قانون است، نه برنامه؛

قانون اساسی بشریت است؛ مخصوص یک اجتماع کندرو یا تندرو یا چپ یا راست رو نیست. اسلام طرحی است کلی و جامع و همه جانبه و متعادل، که حاوی همه طرح‌های جزئی و کارآمد در همه موارد است (مطهری، ۱۳۸۰: ص ۸۵).

اکنون نگاهی به عناصر اولیه نشان می‌دهد که دین اسلام یگانه دین پویا و قادر بر ایجاد ارتباطات جهانی شدن است و توانایی کافی دارد تا از فراز و نشیب‌های سخت و دشوار این دوران موفق درآید:

۵۳

قیاس

انسان کامل در اندیشه مطهر جهانی شدن، زمینه جهانی سازی یا در انتظار «یوم موعود» انسان کامل در اندیشه مطهر

أ. فطرت. یکی از مفاهیم جاودانه اسلام که به زمان و مکان خاصی مربوط نیست، فطرت است؛ زیرا از ویژگی‌های دین جامع و فراگیر، هماهنگی آن با فطرت انسانی است. اگر بنا باشد که دین برای همه اعصار دارای پیام باشد، باید دستورهای آن با فطرت مطابق باشد؛ زیرا فطرت همان بُعد ثابت حیات انسانی است که هیچ‌گاه دستخوش تغییر نمی‌شود. اشتراک انسان‌ها در ابعاد فطری آنان است. انسان‌های گوناگون قرون به جهت امور فطری خود می‌توانند با یک‌دیگر وجوه اشتراک داشته باشند. انسانیت انسان به فطرت او است و فطرت، مبنای نیاز همه انسان‌ها به یک سلسله دستورهای جاودانه و همیشگی است. اسلام نیز دین فطری است؛ یعنی همه آموزه‌های آن با فطرت هماهنگ است، و همین، یکی از رموز جاودانگی این دین شمرده می‌شود.

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ (روم (۳۰): ۳۰).

پاکدلانه به دین روی آور. این فطرت الهی است که مردم را بر آن اساس آفریده. آفرینش الهی هیچ‌گونه تغییرپذیر نیست. این دین استوار (جاوید و همگانی) است.

به این ترتیب است که این مفهوم، همه زمان‌ها و مکان‌ها را می‌پیماید و در همه دوره‌ها، نوعی ساز و کار خودجوش و پویا دارد. در واقع فطرت، صبغة الله و رنگی خدایی است که همواره و در همه اوضاع وجود داشته و دارد، و بر اثر زمان و تحوّل مکان کمرنگ و دگرگون نخواهد شد. دین اسلام که اصل و پایه آن، فطرت است، بر فطری بودن درون انسان‌ها تأکید دارد و در دوره جهانی شدن نیز این آموزه همچنان تداوم و استمرار خواهد داشت.

ب. انعطاف پذیری آموزه‌های دینی در اسلام. و این از ویژگی‌های تعالیم اسلامی است که توانسته از جاودانگی و پویایی خاصی برخوردار باشد، و دارای انعطاف و تحوّل معرفتی مبتنی بر شرایط زمان و مکان باشد.

دین اسلام به ویژه از دیدگاه شیعه دارای آموزه‌های انعطاف‌پذیر فراوانی است که می‌توان گفت این انعطاف‌پذیری محصول و دستاورد اصل «اجتهاد» است که از درون این اجتهاد، اصل انعطاف‌پذیری بیرون می‌آید، زیرا دینی جاوید می‌ماند و می‌تواند برای همه زمان‌ها حرفی برای گفتن داشته باشد؛ که نیازهای هر عصر را در نظر گرفته، طبق آن و در سایه همان آموزه‌های جاوید و انعطاف‌پذیر، پاسخ مناسب را فراهم سازد.

اکثر اندیشمندان اسلامی بر این امر تأکید دارند که با نگرش خردورزانه، دیدگاه نقادانه، نگاه نوشونده و فهم پویای شرایط زمانی و مکانی می‌توان جوهره و گوهر دین را در روزگار یک‌پارچگی جهانی حفظ کرد، و باور معتقدین به دین اسلام را با این نظر گاه عاقلانه تثبیت کرد و استحکام بخشید. اگر دین فقط یک سلسله آموزه‌ها و احکام ثابت بیان کند و برای متغیّرات دوران مختلف حیات بشری، چاره‌ای نیاندیشد، آن دین، جهانی و جاوید نخواهد بود، چنین دینی تنها برای یک محیط خاص و عصر ظهور آن، مناسب خواهد بود.

شهید صدر، اجتهاد را برای بازفهمی نظام عقیدتی اسلام لازم می‌داند تا هم در اصول و هم در فروع، از آن مدد گیرد و بتواند با آن، اسلام را مطابق با نیازهای واقعی زمان عرضه کرد.

وی به برپایی دین و هماهنگی آن با زمانه، باور دارد و می‌گوید:

اسلام در عمق خود عقیده‌ای زنده، نظامی کامل برای حیات، و روشی مخصوص برای تربیت و اندیشیدن دارد (صدر، ۱۳۷۵: ص ۲۷).

و در جایی دیگر می‌گوید:

اسلام توان اداره زندگی بشر و تنظیم شئون آن را در طرح‌ها و قالب‌های زنده برای همیشه در اختیار دارد (صدر، ۱۴۰۳: ص ۴۳).

لذا اگر صاحبان اندیشه دینی به درستی انعطاف‌پذیری و عقلانیت - به دور از جمودگرایی - آموزه‌های دینی را دریابند، در عرصه جهان‌گستری، این مفاهیم پویا می‌تواند بسیاری از انتظارات انسان مدرن را برآورده سازد. و این با توجه به عقلانی بودن دستورهای دینی است که پویایی ویژه‌ای را به آنها می‌دهد و آنها را برای هر عصری منعطف می‌سازد؛ زیرا دستورهای عقلانی، کهنه‌شدنی نیست!

البته باید توجه داشت که دین، باید اصول ثابتی داشته باشد و ارائه دهد، تا جاودانگی

خود را به عرصه ظهور برساند و اصالت خود را طی قرون و اعصار حفظ کند.

ج. **اجتهاد و فهم مقتضیات زمان و مکان.** در بند «ب» روشن گردید که اجتهاد، پویا و قابل انعطاف با شرایط زمان است و می‌تواند پاسخگوی نیازهای روزمره انسان در همه اعصار باشد.

نظریه پردازان فرهنگ و اندیشه بر این باورند که برخی اندیشه‌ها بر اثر گذر زمان دچار فرسودگی می‌گردد و به اصلاح و تجدید نظر نیاز دارد. و این طبق نظریه شیعی درباره «فتح باب اجتهاد» می‌باشد و اجتهاد یکی از اصولی است که در مکتب شیعه نقشی اساسی و کلیدی ایفا می‌کند و با نگرشی منطقی و عقلی، و فهمی نوشونده و تکاملی، دستورات دینی، همگام با مقتضیات زمان می‌گردد، و لذا در زمان‌های مختلف، این اصل، رهگشای بسیاری از بن‌بست‌ها و مشکلات خواهد بود. و لذا مکتب تشیع بیش از دیگر مکتب‌های اسلامی از روند جهانی شدن برخوردار است، که در زیر می‌آوریم:

عناصر جهانی شدن در مکتب تشیع

در مذهب تشیع خصوصیات منحصر به فردی وجود دارد که آن را بین دیگر مذاهب و ادیان، به پدیده جهانی شدن نزدیک‌تر می‌کند و آنچه با چالش سایر ادیان گفته شده، از آن دور نگاه می‌دارد.

در نگاهی کلی، تمام ادیان، پیام خود را جهانی و فرا تاریخی دانسته و برای تمام انسان‌ها پیام‌آور صلح، عدالت و سعادت هستند؛ اما در مواجهه با واقعیات خارجی و به ویژه ایجاد ساختار سیاسی، شیعه دارای عناصر بالقوه‌ای است که امکان جهان‌گرایی آن را بیش‌تر امکان‌پذیر می‌سازد. این عناصر، مکتب شیعه را به لحاظ نظری، به دینی‌گنشگر تبدیل می‌سازد. در این جا هدف، تبیین علل توان بالقوه جهانی شدن مذهب شیعه است که مهم‌ترین این عناصر عبارتند از:

۱. عقلانیت: در مقایسه کلی بین مذاهب جهان اسلام، شیعه بیش‌ترین ملازمت را با خردورزی و عقلانیت دارد. تاریخ تفکر اسلامی نشان از فراوانی فیلسوفان شیعه مذهب دارد که خود دلیلی بر اثبات مدعای پیشین است. همچنین ظهور متکلمان بزرگی چون خواجه نصیرالدین طوسی و پیدایی و گسترش نحله اصولیت در فقه شیعه، نشان‌دهنده

جایگاه عقلانیت در این مذهب است (ر.ک: مقاله عقلانیت از منظر اخباریان، نویسنده). تا آنجا که حتی اصول کافی که یک کتاب حدیث شیعی است، با باب «جهل و عقل» آغاز می‌شود؛ سپس به باب توحید می‌پردازد. از سوی دیگر در جهان مدرن، این عقلانیت است که حرف نخست را می‌زند؛ بنابراین، گسترش و نفوذ تشیع با توجه به عنصر عقلانیت امری قابل تأمل است.

۲. اجتهاد، در تفکر شیعی باب اجتهاد و تفقه در دین هیچ‌گاه بسته نیست. اجتهاد کوششی خردورزانه در جهت تطبیق مصداق‌ها با احکام و آرای اسلامی و استخراج فروع از اصول، با توجه به اوضاع زمان و مکان و مقتضیات هر دوران است. این عنصر باعث می‌شود که فقه شیعه همواره پویایی و توانایی باز تولید خود را در وضعیت جدید ارائه دهد؛ بنابراین می‌تواند همگام با تحولات جهانی حرکت کند؛ پس این اصل (باز بودن باب اجتهاد) راهگشای بسیاری از بن‌بست‌ها و مشکلات خواهد بود.

شهید مطهری درباره اصل رجوع مسلمانان به مجتهد حیّ که از اصول اجتهادی است می‌گوید: علت دیگر این است که مسلمین هر روز با مسائل جدید در زندگی خودشان روبه‌رو می‌شوند و نمی‌دانند تکلیفشان در این مسائل چیست؟ فقهای زنده و زنده فکری لازم است که به این حاجت بزرگ پاسخ دهند. در یکی از اخبار اجتهاد و تقلید آمده: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها، الی رؤاٰ آحادینا». حوادث واقعه همان مسائل جدید است که دوره به دوره و قرن به قرن و سال به سال پیش می‌آید. مطالعه و تتبع در کتب فقهی در دوره‌ها و قرون مختلف می‌رساند که تدریجاً بر حسب احتیاجات مردم مسائل جدیدی وارد فقه شده و فقها در مقام جوابگویی برآمده‌اند. (مطهری، ۱۳۶۶: ص ۱۲۰).

بر همین اساس است که می‌توان طبق معیارهای کلی و قواعد عامه شریعت، و وفق نیازهای روز، احکام متناسب آن را استنباط کرد؛ پس در دوره جهانی شدن نیز این فهم نوشونده می‌تواند جوابگوی مسائل بسیاری شود. استاد مطهری درباره رمز این گونه اجتهاد (متناسب با نیازهای روز) می‌گوید:

اساساً رمز اجتهاد در تطبیق دستورات کلی با مسائل جدید و حوادث متغیر است. مجتهد واقعی کسی است که این رمز را به دست آورده باشد. توجه داشته باشد که موضوعات، چگونه تغییر می‌کند، و بالتبع حکم آن‌ها عوض می‌شود، و گرنه تنها در مسائل کهنه و فکر شده فکر کردن، و حلال یک «علی الأقوی» را به «علی الأحوط» تبدیل کردن، یا یک «علی الأحوط» به «علی الأقوی» تبدیل کردن، هنری نیست و این همه جار و جنجال لازم ندارد (همان).

با همین اصل نوشونده و پویا است که برخی اصول مدرنیته در کنار ارزش‌های اسلامی همزیستی مسالمت‌آمیز دارند و در واقع با بازاندیشی و نوفهمی عاقلانه و منطقی بود که برخی از اصول مدرنیته، بومی، و در کنار ارزش‌های اسلامی مطرح شدند. این نگرش فقط با اجتهاد پویا به دست می‌آید.

شهید مطهری با طرح سلسله قوانین ثابت و متغیر درباره اجتهاد می‌گوید:

اسلام یک نوع رمز و یک دستگاه متحرکی در داخل خود قرار داده که خودش از ناحیه خود تغییر می‌کند، نه از ناحیه کسی دیگر که مثلاً علما بیایند تغییر دهند. علما فقط می‌توانند آن تغییرات را کشف کنند، نه این‌که تغییر دهند (مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۱۴).

۵۷

قیاس

آری، همان‌گونه که در حدیث آمده: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس» (مجلسی، بحارالانوار: ج ۶۸، ص ۳۰۷). کسانی که به احوال زمانه آگاهی داشته باشند، دچار ناگواری‌ها نمی‌شوند.

در کافی از امام صادق^ع روایت شده که فرمود: علی العاقل أن یكون عارفاً بزمانه (مجلسی، همان).

۳. عدالت، عدالت جزو پایه‌های مذهب شیعه است و در تمام ارکان این مذهب به طور کامل خود را نمایانده است. از انتخاب حکمران و حاکم و قاضی دادگاه تا امامت جماعت در مسجدی کوچک در روستا، عدالت عنصر اساسی است.

عدالت در تفکر شیعی حتی جهان هستی را هم در بر می‌گیرد و به عبارتی آفاقی و انفسی است:

و بالعدل قامت السماوات و الأرض (ابن ابی جمهور، ۱۳۶۱: ج ۴، ص ۱۰۳).
وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (الرحمان ۵۵: ۷).

عدالت آرمان‌نهایی این مذهب نیز هست؛ زیرا ظهور مصلح جهانی برای برپایی قسط و عدل است: فإذا خرج أشرقَت الأرض بنور ربِّها، و وضع میزان العدل بین الناس، فلا یظلم أحدٌ أحداً (مجلسی، ۱۳۷۷: ج ۵۲، ص ۳۲۲).

از طرفی، شیعه، نمونه حکومت عادل را که همان حاکمیت چند ساله مولا امیرمؤمنان^ع است، در کارنامه سیاسی خود دارد. و در روایات، آیه «وَمَنْ يَأْمُرْ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (نحل ۱۶): (۷۶)، به مولا امیرمؤمنان تفسیر شده است. امام باقر^ع فرمود:

هو أمير المؤمنين يأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم (کراجکی، ۱۳۶۹: ص ۱۲۹).

عدالت آرمانی است که تمام انسان‌ها و در تمام دوران‌ها خواهان آن بوده‌اند.

۴. مهدویت: اعتقاد به ظهور مصلح جهانی و ایجاد حکومت فراگیر بر اساس عدل و به منظور نجات بشر از تیرگی‌های ظلم و جور که در اصطلاح، «فلسفه مهدویت» نامیده می‌شود، گرچه تفکری شیعی است، حتی در ادیان غیر توحیدی مانند هندو و بودا نیز دیده می‌شود؛ اما شیعه به کنش مثبت در مورد ظهور منجی اعتقاد داشته و وظیفه خود را زمینه‌سازی و آمادگی برای تحقق این آرمان می‌داند؛ پس اگر سرانجام امر به ایجاد حکومت عدل جهانی است، آیا نباید برای مقدمه، در فکر جهانی شدن باشیم؟

۵. فرا زمانی و مکانی بودن پیام تشیع

با آنچه گفته آمد، روشن شد که برای پیام مذهب شیعه هیچ محدوده زمانی و مکانی وجود ندارد. ویژگی‌های این مذهب به لحاظ اعتقادی فرا زمانی و فرا مکانی است که رکن اساسی آن، همان عدالت طلبی و عدالت‌گستری و پیروزی حق بر باطل است. این پیام همواره در فراز و نشیب‌های تاریخ آرامش‌بخش مردم ستمدیده بوده، پیام امیدوارکننده‌ای است که از رهگذر دشواری‌ها به جهانی فراخ و در سایه عدل و قسط خواهیم آریم.

بر اساس این پیام فرا تاریخی شیعه، هنگامی که محدود به زمان و مکان نشود، به طور طبیعی جهانی شدن امری قابل پیش‌بینی است.

انتظار یوم موعود

اسلام و تمام ادیان الهی و در کنار آن همه اندیشه‌وران جهان، چه در گذشته و چه در حال، که در اندیشه جهانی‌سازی به سر برده و می‌برند آیا به این آرمان مقدس و والای خود دست یافته‌اند یا همچنان در انتظار رسیدن به «یوم موعود» به سر می‌برند؟

چنان که در حدیث آمده، خداوند، هیچ‌گاه بندگان صالح خود را در خواسته‌هایشان ناامید نمی‌کند، و آنان در همین جهان به آرزوهایشان خواهند رسید. این وعده‌ای است که خداوند بر لسان انبیای سلف (از جمله زبور داوود) و نیز قرآن کریم، بر آن تاکید دارد، و حتماً خداوند به وعده خود وفا خواهد کرد:

« إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ » (رعد (۱۳): ۳۱).

در این زمینه خداوند می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (انبیا (۲۱): ۱۰۵ - ۱۰۷).

در این آیه به چند نکته اشاره شده است:

اولاً وعده «حکومت صالحان» بر پهنه گیتی، چیزی است که از دیر باز، بر لسان انبیای عظام الاهی جاری شده است «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ...».

۵۹

تفسیر

ثانیاً این خود بشارتی به بندگان صالح و شایسته خدا است، که بر این آرمان مقدس پابرجا باشند که آن روز خواهد رسید، و به آرزوی خود دست خواهند یافت: «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ».

ثالثاً این وعده «گسترش جهانی اسلام»، از مقام «رحمت شمولی» بعثت انبیا به ویژه پیامبر اسلام که به «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» مُوَسَّح شده، برخاسته است و هرگونه صفت رحمت شمولی پروردگار که در قالب وعده درآید، حتماً تحقق پذیر است، و عینیت خواهد یافت.

و أمّا در «زبور - مزامیر داوود» پس از اندرزها و تذکراتی چند (در فصل ۳۷) این وعده را فاش می‌سازد. اکنون تفصیل آن بیان:

به سبب بدکاران آزرده مشو، و بر انسان‌های شرور مشور؛ زیرا آنان مانند علف‌های هرز فاقد دوامند، و به زودی پژمرده می‌شوند و از بین می‌روند. بر خداوند توکل کن و نیک کردار باش و همواره با خدا همراه و خوش باش. او است که آرزوهای تو را برمی‌آورد؛ پس خود را به او بسپار. در محضر خداوند خاموش باش و صبر و شکیبایی پیشه خود ساز و در انتظار لطف و عنایت او باش. کسانی که در انتظار عنایت خداوند به سر می‌برند، از برکات او حتماً برخوردار خواهند شد. خداوند از زندگی شرافت‌مندانه افراد درستکار حمایت می‌کند، و به آنان میراثی جاوید ارزانی خواهد داشت. نیکان، جهان را به ارث خواهند برد و تا ابد بر آن حاکم خواهند بود. به خداوند امیدوار باش و دستوره‌های او را حرمت نگهدار. او به موقع تو را برکت می‌بخشد و سرفراز خواهد ساخت.

خداوند نیکان را رستگار خواهد کرد و در سختی‌ها حامی آنان خواهد بود، و همواره به یاری آنان خواهد شتافت؛ زیرا آنان به او پناه برده‌اند.

انسان کامل در اندیشه مطهر
جهانی شدن، زمینه جهانی سازی یا در انتظار «یوم موعود»
انسان کامل در اندیشه مطهر

منابع و مأخذ

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی جمهور، *عوالی اللئالی*، قم، مطبعة سیدالشهدا، ۱۳۶۱، ج ۴.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد، *تاریخ کامل*، تهران، اساطیر، ۱۳۷۰.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمان ابن محمد، *مقدمه ابن خلدون*، تهران، مرکز انتشارات علمی، ۱۳۶۲.
۶. صدر، محمدباقر، *اقتصادنا*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۷. _____، *الاسلام یقود الحیاة*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۸. کراجکی، محمدبن علی، *کنز الفوائد*، قم، مکتبه المصطفوی، ۱۳۶۶.
۹. لین پل، استانلی، *طبقات سلاطین الاسلام*، تهران، افراسیاب، ۱۳۸۰.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، دارالرضا، ۱۳۷۷، ج ۵۲ و ۶۸.
۱۱. مطهری، مرتضی، *اسلام و مقتضیات زمان*، تهران، صدرا، ۱۳۶۲.
۱۲. _____، *ده گفتار*، تهران، صدرا، ۱۳۶۶.
۱۳. _____، *شش مقاله*، قم، صدرا، ۱۳۸۰.